

متن پرسش

سلام و عرض ادب خدمت شما استاد گرامی: در صوت جدیدی که در جواب سوال «عارف چگونه دنیا را می‌بیند» فرمودید که عارف واصل خوب زندگی می‌کند و بعد فرمودید که < کاش در همین صوت تعریف درستی از زندگی میکردین. از حرفای شما در این صوت این طور برداشت میشه که من از امروز بشینم پای نگاه کردن سریال های بی سرو ته تلویزیون و مشغول بازی هایی بشم که به تازگی مد شده مثل مافیا و پانتومیم و گل یا پوچ و یا از فردا هر شب بریم پارک و بازار گردی و و یا منی که مراعات می‌کردم که دو روز پشت سرهم گوشت نمی‌خوردم از این به بعد بخورم و در جمع های لغو که همراه با جک و خنده است وارد بشم و از فردا مبل و لوستر و زندگی آنچنانی و پرده های گرانیقیمت و ... داشته باشم و شروع کنم به تعویض وسایل زندگی و... چون تعریف زندگی در این تاریخ یعنی همین. امروزه من متهم هستم که زندگی نمی‌کنم. با این صوت، بیشتر این اتهام به بنده زده میشه. البته بنده امکانات زندگی رو در حد معمول دارم و کم و کسری نیست. ولی خب من که سعی می‌کردم که خیلی با مد زندگی نکنم و به کفاف زندگی کنم با این صوت انگار باید روش زندگیم رو عوض کنم. مثلا من هنوز تلویزیون ۲۱ اینچ ۱۷ سال قبل رو دارم استفاده می‌کنم، با وجود اصرار بقیه به خرید ال سی دی و ال ای دی هنوز با همین دارم زندگی می‌کنم و هیچ مشکلی هم ندارم و اصلا احساس کمبود نمی‌کنم. شما در جلسه ۴۳ معاد فرمودید که اولین شرط سلوک فاصله گرفتن از زندگی عوام الناس است. در بحث های حدیث معراج نیز همین نوع زندگی رو تاکید می‌کنید که از دنیا در حد کفاف داشته باشید. به من انگ خشک بودن می‌زنند چون نمیشینم پای تلویزیون و فیلم و سریال ببینم نفریح و شادی رو نشستن پای سریال ها میدونند و بالاتر از اون نشستن پای این نوع برنامه ها رو جزئی از دین به عنوان تاکید اسلام به تفریح میدونند یا اینکه عمرم رو در پارک ها و شب نشینی ها و مسافرت های پوچ و بی معنی نمی‌گذرونم و یا اینکه جشن تولد رو قبول نمی‌کنم و عروسی شرکت نمی‌کنم. در یک کلام من متهم به زندگی نکردن هستم ولی من در اوج نشاط هستم. تعریف زندگی امروز یعنی زندگی در عیش مردن در خوشی. همیشه مثال عینک امام خمینی رو می‌زنید اما مردم اکثرا این رو زندگی نمیدونن و عقیده دارند که باید بهترین چیزها رو استفاده کنیم. پس خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه رو چکار کنیم؟ ببخشید که طولانی شد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در سؤالی که تحت عنوان «عارف دنیا را چگونه می‌بیند» شد بحث در آن

بود که «ره چنان رو که رهروان رفتند» مانند علمای جلیل‌القدر که نمونه روشن آن حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» بودند. نمی‌دانم از کدام قسمت از آن بحث، این برداشت شد که ما خود را مشغول زندگی اهل دنیا کنیم که اکثراً زندگی را به بطالت می‌گذرانند؟! موفق باشید